

نقش سیاق در تفسیر آیات قرآن*

□ عبدالمؤمن امینی
طلبه سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه

چکیده

قاعده سیاق در تعیین مفاهیم جملات و استنباط حقایق آیات تأثیر چشمگیری دارد و از اصول پذیرفته شده در نزد عقلا و دانشوران علوم قرآنی است. اساساً یکی از اصول محاوره عقلایی در تفسیر قرآن، تکیه بر نقش سیاق در کشف مفاهیم کلام الهی است. تحقیقی که پیش رو دارید، نخست ماهیت سیاق و سیر تاریخی آن را به ترتیب تاریخ نگارش تفاسیر، بیان نموده و سپس راههای شناخت سیاق و رویکردهای مطرح شده در این زمینه را بررسی کرده است.

قاعده سیاق خود به گونه‌های مختلف چون سیاق واژه‌ها، آیه‌ها، سوره‌ها و ... تقسیم می‌شود. ولی ترتیب و چینش فعلی سوره‌ها یک امر اجتهادی بوده، از این رو نمی‌توان آن را به وحی و فرمان رسول خدا ﷺ نسبت داد.

تحقق قاعده سیاق، مشروط به ارتباط صدوری و پیوند محتوایی کلام و ... بوده و در صورت نبود آنها سیاق ثابت نمی‌شود و نمی‌توان آن را به عنوان یک قرینه متصل در تفسیر

* تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۷/۷؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۱/۹.

آیات استفاده کرد. بر این اساس، حجیت و اعتبار قاعده سیاق، افزون بر شرایط مورد نظر، مستند به ظواهر قرآن و سیره عقلا بوده و به هماهنگی درونی سخنان افراد عاقل باز می‌گردد که در پایان این نوشتار، با احراز شرایط و دلایل یاد شده، شماری از کاربردهای سیاق و تأثیر آن در تفسیر آیات قرآن بیان شده است.

کلید واژه‌ها: مفسران تفسیر، سیاق، آیات، نقش.

مقدمه

واژه‌ها و جملات ابزاری است که گوینده به وسیله آنها خواسته‌ها و مطالب خود را به شنونده می‌فهماند. از این‌رو، از میان معانی مختلفی که امکان به کارگیری الفاظ در آنها به صورت حقیقت و یا مجاز وجود دارد، باید دید که گوینده کدام یک از آنها (معانی) را اراده کرده است. با توجه به اینکه گوینده خود عاقل و آشنا به قواعد گفت‌وگو بوده و از جمله‌هایی که به کار می‌گیرد هرگز معانی متناقض و ناهماهنگ را لحاظ نمی‌کند، بر این اساس معنای واژه‌ها و مفاد جملات گوینده حکیم اموری متناسب و هماهنگ خواهد بود. در این میان، دلالت سیاق که در هر نوع متنی کاربرد دارد، در تبیین آیات قرآن نیز بسیار کارساز است و یکی از ابزارهای مهم برای فهم معانی الفاظ شمرده می‌شود. از این‌رو، مفسر که در تفسیر قرآن با متن سروکار دارد و بر آن است که مقصود خداوند را از لابلای الفاظ به دست آورد، سیاق جمله‌ها و واژه‌ها که تنها قرینه‌ای لفظی و پیوسته در کلام است، وی را در استنباط و کشف مفهوم آیات کمک خواهد کرد.

تحقیق حاضر، قاعده سیاق را که یکی از قواعد تفسیر آیات قرآن است بررسی و تحلیل نموده و تأثیر چشمگیر آن را در فهم معانی آیات بیان کرده است.

پیشینه بحث

استفاده از سیاق در گفت‌وگوهای عرفی و تأثیر آن در تعیین مفاهیم واژه‌ها و جملات، در میان مردم از دیر زمان رایج بوده و یکی از اصول عقلایی در ساخت معنای استعمال واژه در میان خردمندان جهان مطرح بوده است. در حوزه اندیشه اسلامی و استنباط حقایق قرآنی نیز به زمان صحابه و تابعان باز می‌گردد و در دو حوزه گسترده درون‌متنی و فرامتنی مفهوم می‌یابد. از این‌رو، واژه سیاق در کاوشهای معناشناختی دانشوران علوم قرآنی نقش کلیدی دارد. از میان اندیشمندان مسلمان، نخستین کسی که

این کلمه را به همین معنا به کار گرفته، محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ق) است. وی در کتاب *الرساله* خویش، بابتی را تحت عنوان «باب الصنف یبین سیاقه معنا» گشوده و درباره قاعده سیاق نکاتی را به صورت اجمال بیان کرده است.

تاریخ مدون تفسیر نشان می‌دهد که محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق) نیز در تفسیر آیات قرآن به مفهوم سیاق و کاربرد اصطلاحی این واژه توجه کرده و از این ابزار به عنوان یک قاعده برای تعیین محدوده مفاد بحثهای تفسیری بهره گرفته است. ولی بحث از قاعده سیاق به صورت نظری و تئوریک در میان نویسندگان دانشور تفسیر و علوم قرآن سالیان متمادی است که مغفول مانده و تنها به صورت کاربردی در آثار قرآن‌پژوهان از آن استفاده شده است. از این رو، کمتر اثر نگاشته شده مستقلی درباره قرینه سیاق می‌توان یافت که آن را از زوایای گوناگونی پژوهش و تحلیل کرده باشد. گرچه بحث از این موضوع در ضمن بخشی از کتابهای تفسیر و علوم قرآن وجود دارد، ولی تحلیل و بررسی ابعاد گوناگون قاعده سیاق در مقایسه با موضوعات دیگری علوم قرآنی به غایت اندک بوده و کمتر به آن توجه شده است.

از کتابها و پایان‌نامه‌های مستقلی که در این باره نگاشته شده عبارت است از:

الف. کتاب *دلالة السیاق*، اثری از آقای الطلحی که در جامعه ام‌القری در مکه

مکرّمه تدوین شده است.

نویسنده آن ضمن بهره‌گیری از معنای لغوی و اصطلاحی سیاق به پیشینه آن در علم لغت، بلاغت، اصول و تفسیر پرداخته است، سیاق نص و موقف، سیاق صوتی و حتی سیاق فرهنگی را می‌توان در این اثر مطالعه کرد.

ب. رساله *بررسی تطبیقی نقش سیاق در تفاسیر*، پایان‌نامه‌ای است که در مقطع دکتری، توسط آقای سید حسین و زیر نظر استاد راهنما آقای دکتر مهدوی‌راد نگارش یافته است. نامبرده توانسته است بحثهای مفیدی همچون ارکان تشکیل دهنده سیاق، مبانی، قواعد و شرایط حجیت سیاق را مطرح کند و به صورت تطبیقی به بهره‌گیری

تفسیر موجود از قاعده سیاق پردازد.

ج. موضوع مبانی و نقش سیاق در قرآن کریم نیز از پایان‌نامه‌هایی است که در مقطع کارشناسی ارشد و با تلاش آقای اصغر آزاد و با راهنمایی دکتر احمد ناصح نگاشته شده است. وی به مباحثی همچون، شرایط و مبانی بهره‌گیری از سیاق پرداخته و برخی کارکردهای آن را بررسی کرده است. ولی تحقیق پیش‌رو شرایط تحقق سیاق، گونه‌های آن و دلایل اعتبار و برخی از کاربردهای سیاق را به صورت اجمال بررسی کرده است.

مفهوم‌شناسی سیاق

الف. سیاق در لغت

واژه «سیاق» از ریشه «سوق» بوده و در اصل «سوق» است. حرف «واو» به دلیل کسره «سین» قلب به «یاء» شده است. این واژه به معنای راندن، سوق دادن، فرستادن و برانگیختن بر حرکت از طرف پشت است. ابن فارس می‌نویسد:

السوق، وهو حدو الشيء... و يقال سقت الی امرأتی صداقتها (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة ۱۴۰۴: ۱۱۷/۳)؛ این واژه به معنای طرد و راندن چیزی بوده و چنان‌که می‌گویند: فرستادم مهریه خانم را.

ابن منظور در این باره می‌نویسد:

السوق بمعنی ساق الابل و غیرها (ابن منظور، لسان العرب ۱۴۰۵: ۱۰/۱۶۹)؛ واژه سوق به معنای وادار کردن شتر و مانند آن از پشت سر برای راه رفتن است.

بدین‌رو، از عبارت ابن منظور و دیگر لغت‌نویسان استفاده می‌شود که در مفهوم کلمه سیاق علاوه بر معنای راندن، مفهوم تدبیر و اداره کردن در راندن نیز وجود دارد. چنان‌که زبیدی می‌گوید: «و هم الذین یسوقون الجیش الغزاة و یکنونون من ورائهم

یحفظونه» (زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس بی تا: ۶/ ۳۸۹). اداره کردن و راهبری سپاه را از عقب سیاق نامیده‌اند.

همچنین واژه‌شناسان، این کلمه را به معنای اسلوب، روش، طریقه، فن تحریر محاسبات به روش قدیم (دهخدا، لغتنامه دهخدا ۱۳۴۸: ۹/ ۱۳۸۶۶) و به معنای سوق ظاهری (مصطفوی، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم ۱۴۱۷: ۵/ ۲۷۱). به دنبال هم آمدن یک سخن و روش جمله‌بندی آن دانسته‌اند. بدین ترتیب، خصوصیت مفهومی این واژه قابلیت به آن داده است که دانشوران تفسیر بتوانند از آن برای جعل مفهومی اصطلاحی بهره گیرند.

بنابراین، از سخنان لغت‌شناسان استفاده می‌شود که کلمه سیاق دارای ویژگی‌هایی است که به قرار زیر می‌آوریم:

۱. از فحوای واژه «سوق» که به معنای راندن است، مفهوم «الی» به ذهن متبادر می‌گردد و به همین دلیل واژگان همگن آن عموماً با حرف «الی» متعدی می‌شود.
۲. معنای سوق هنگامی تحقق می‌یابد که راندن از خلف و عقب چیزی باشد. از این رو، با مفاهیم اتباع و قیادت که به معنای کشیدن از جلو برای راهبری است تفاوت دارد.
۳. سوق که به معنای راندن به سوی مقصد است، مشتقات آن درباره اشیاى مختلفی اعم از مادی و معنوی، مانند روح، کلام و... به کار رفته است.
۴. در کتابهای لغت واژه سیاق را بیشتر به معنای راندن شتر و گوسفند دانسته‌اند، ولی مفاهیم دیگری مانند تتابع و از پی یکدیگر در آمدن، تدبیر، راهبری، تنظیم امور و ریخت و چیش کلام از جمله مفاهیم عقلانی مندرج در این کلمه است.

ب. سیاق در اصطلاح

چنان‌که اشاره شد، لغت‌شناسان برای سیاق معانی متعددی را ذکر کرده‌اند و با وجود

اینکه این کلمه در حوزه‌های تفسیری، حدیثی، فقهی، اصولی و ادبی دارای کاربردهای فراوان است، ولی تعریفهای ارائه شده از آن دقیق و سنجیده نیست. گاهی در تعریف اصطلاحی آن چنان توسعه داده شده که هر نوع قرینه و دلیل دیگری را که بر مقصود گوینده دلالت نماید شامل می‌شود. از این‌رو، از میان تعاریف ارائه شده به برخی از آنها می‌پردازیم.

۱. شهید صدر می‌نویسد:

و نرید بالسیاق کل ما یکتنف اللفظ الذی نرید فهمه من دوال اخری، سواء كانت لفظیة کالكلمات التی تشكل مع اللفظ الذی نرید فهمه کلاماً واحداً مترابطاً، أو حالیه كالظروف و المناسبات التی تحیط بالكلام و تكون ذات دلالة فی الموضوع» (صدر، دروس فی علم الاصول ۱۴۱۲: ۱/ ۲۱۴)؛ مقصود ما از سیاق هرگونه دلیل دیگری است که به عبارات و کلماتی که قصد فهمیدن آن را داریم پیوسته و پیوند خورده است، خواه این نشانه‌ها لفظی باشد، مانند کلماتی که با عبارت متن یک سخن به هم پیوسته است و یا نشانه‌های حالی باشد مانند احوالات و شرایطی که سخن گوینده در آن فضا و با آن شرایط بیان شده است و ما را در فهم موضوع و مفاد لفظ مورد گفت‌وگو روشن می‌دارد.

بررسی

تعریف یاد شده به قدری گسترده است که مانع اغیار نبوده و شامل تمام قرائن لفظی و حالیه و حتی فراتر از آن دو می‌شود، در حالی که موارد به کارگیری این واژه در سخنان دانشوران تفسیر به این اندازه عمومیت ندارد، زیرا قرینه سیاق در بیان آنان یکی از قرائن پیوسته لفظی بوده (ریانی گلیایگانی، هرمنوتیک و منطق فهم دین ۱۳۸۳: ۵۰). که مستفاد از خود عبارت است.

۲. برخی دیگر از دانشوران تفسیر واژه سیاق را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ان

الكلمة تأخذ مضمونها من خلال السياق الذي يحيط بها» (فضل الله، من وحى القرآن ۱۴۱۹: ۱۴/۲۴۶؛ ۲۸/۱۰).

سیاق قرینه است که همراه کلمه بوده و همانند چتری بر آن سایه افکنده و احاطه دارد و بدون در نظر گرفتن آن نمی‌توان به فهم صحیح معنا دست یافت. در این تعریف به سیاق یک سخن و کلمه توجه شده، ولی به سیاق عبارات و جمله‌ها توجه نگردیده است.

۳. تعریف مختار: سرانجام تعریفی را به عنوان تعریف مناسب و بهتر ذکر می‌کنیم تا از نقدهای پیشین در امان باشد. از این‌رو، می‌توان سیاق را این‌گونه تعریف کرد: سیاق نوعی خصوصیت و فضای معنایی است که از قرار گرفتن کلمات و جملات در کنار یکدیگر به دست آمده و در مفهوم واژگان و یا عبارات تأثیرگذار است (نک: سلوی، الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم: ۶۲ - ۷۸؛ اسعدی و همکاران، آسیب‌شناسی جریانهای تفسیری ۱۳۱۹: ۱/۶۶؛ بابایی و همراهان، روش‌شناسی تفسیر قرآن ۱۳۷۹: ۱۲۰). این نوع تعریف برای سیاق تنها قراین پیوسته و متصل لفظی کلام را شامل شده، قرینه‌های منفصل لفظی و یا متصل و منفصل غیر لفظی را شامل نمی‌شود. از این‌رو، سیاق چینی خاص کلمات یک جمله و یا جمله‌های مرتبط به یک موضوع در یک کلام است که زمینه ظهور سخن در یک معنای خاص و مقصود گوینده را فراهم می‌کند.

برای مثال، واژه دین در جمله «مالک یوم الدین» (فاتحه: ۴). با توجه به اضافه شدن واژه «مالک» به «یوم» و «یوم» به «دین» در معنای «جزا» ظهور پیدا می‌کند، در حالی که در قرآن این واژه به معنای دیگری همچون «آیین» نیز آمده است.

گونه‌های سیاق

قاعده سیاق که از قرائن متصل و پیوند خورده به کلام است، در دلالت لفظها بر

مقصود نقش دارد و مراد گوینده را برای شنونده روشن می‌کند. بر این اساس، از قرار گرفتن چند واژه در ضمن یک جمله، سیاق کلمات پدید می‌آید. همچنین از در پی هم آمدن جملاتی که راجع به یک موضوع بوده و در یک مکان بیان می‌شود، سیاقی به وجود می‌آید که آن را سیاق جمله‌ها می‌نامند. در مورد قرآن کریم، افزون بر توالی کلمات و جمله‌ها، گاهی دسته‌ای از آیات درباره یک موضوع وارد شده است که سیاق آیات پدید می‌آید. چنان‌که از به دنبال هم آمدن چند سوره سیاقی به نام سیاق سوره‌ها استفاده می‌شود. از آنجا که این چند نوع سیاق از نظر اعتبار متفاوت است، هریک به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

الف. سیاق واژه‌ها

منظور از سیاق کلمات، آن است که از قرار گرفتن دو یا چند کلمه در ضمن یک جمله معنای خاصی به یک کلمه می‌بخشد. این نوع سیاق از قوی‌ترین گونه‌های سیاق است، زیرا گوینده دانا به هیچ عنوان از واژگانی که با آنها جمله‌ای می‌سازد مفهوم نامتناسب را اراده نمی‌کند. از این‌رو، سیاق کلمات مورد قبول و استفاده قرآن‌پژوهان بوده و تردیدی در اعتبار آن وجود ندارد.

در قرآن در موارد بسیاری سیاق واژه‌ها دیده می‌شود که به کلمات ظهور خاصی بخشیده و معنای آن‌ها را تعیین کرده است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

۱. واژه «دین» در آیه شریفه «مالک يوم الدين» (فاتحه: ۴). در اثر سیاقی که از اضافه «مالک» به «يوم» و «يوم» به «دين» برای آن به وجود آمده، در معنای «جزاء» ظهور پیدا کرده است و اگر به تنهایی ذکر شود، ظهوری در این مفهوم ندارد.

۲. واژه «امت» با توجه به موارد کاربرد و قرینه سیاق آیات، به معنای زیر آمده است:

کنتم خير امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف... (آل عمران: ۱۱۰)؛ به معنای جماعت و ملت.

وقال الذي نجا منهما وادكر بعد امة... (يوسف: ۴۵)؛ به معنای

مدت و زمان.

... انا وجدنا آباءنا علی امة ... (زخرف: ۲۲)؛ به معنای طریقه و

روش.

۳. نمونه دیگر، واژه «کتاب» در آیه شریفه «... و ما یعمّر من معمر و لاینتقص من عمره الا فی کتاب...» (فاطر: ۱۱) است که در اثر سیاق کلمات در معنای لوح محفوظ ظهور پیدا کرده است.

ب. سیاق جمله‌ها

مراد از قرینه بودن سیاق جملات آن است که جمله‌ای از یک آیه قرینه معنایی برای جمله دیگری از همان آیه قرار می‌گیرد و در معنای آن اثر می‌گذارد و یا یکی از معانی محتمل جمله را متعین می‌کند. این نوع سیاق از دیر زمان مورد توجه کاوشگران علوم قرآنی بوده و در فهم آیات از آن مدد گرفته‌اند.

طبری در شرح آیه «أولم یر الذین کفروا أنّ السّمآوات والأرض کانتا رتقاً ففتقناهما وجعلنا من المآء کلّ شیء حیّ أفلا یؤمنون» (انبیاء: ۳۰). می‌گوید: «نزدیک‌ترین سخن در تفسیر آیه سخنی کسی است که می‌گوید آسمان و زمین از باران و گیاه بسته بود (باران و گیاه نداشت) پس آسمان به باران و زمین به گیاهان، باز و شکافته شد؛ به دلیل بخش بعدی آیه که می‌فرماید: «وجعلنا من المآء کلّ شیء حیّ» (طبری، جامع البیان عن تأویل القرآن ۱۴۲۱: ۱۰/۲۴).

سید رضی با رد سخن کسی که جمله «... تؤتی الملک من تشاء...» را به ملک و دارایی بهشت تفسیر کرده، می‌نویسد: این معنا نزد من ناتمام است، زیرا سیاق آیه و جمله‌ای که بعد از آن آمده، این ملکی که خداوند به هر کسی بخواهد می‌بخشد و از هر کسی بخواهد می‌ستاند، تنها در دنیا است نه در آخرت، چنان‌که جملات بعدی آیه مؤید این حقیقت بوده و هیچ ارتباطی به جهان دیگر ندارد (سید رضی، حقایق

التأویل فی متشابه التنزیل بی تا: ۶۵ - ۶۶).

ج. سیاق آیات

الفاظ و جملات قرآن که به جمله، آیه و سوره تقسیم می‌شود، از نظر کوتاهی و بلندی بسیار متفاوت بوده و برخی مانند آیه دین بیش از بیست جمله کامل را تشکیل می‌دهد و برخی از آیات مانند آیه شریفه «مدهامتان» تنها یک کلمه بوده و جزئی از یک جمله است. گاهی نیز آیات قبل و بعد یک آیه، فضای معنایی خاصی را به وجود آورده و سیاق این دسته از آیات در ظهور معنای آیه مورد نظر تأثیر گذاشته است. از باب مثال، ظاهر آیه «ذق انک أنت العزیز الکریم» (دخان: ۴۳ - ۵۰) بدون نظر داشت آیات قبل و بعد نوعی بزرگداشت و تشویق شنونده را می‌رساند، ولی با نگاه جامع و فراگیر به آیات قبل روشن می‌شود که این آیه در مورد عذابهای دوزخ بوده و خداوند متعال دوزخیان را به خاطر تشکیک و تردید در امر آخرت سرزنش کرده است.

د. سیاق سوره‌ها

عده‌ای از دانشوران علوم قرآن، سوره‌های قرآن را پیوسته و مرتبط با هم دانسته و در مواردی برای بیان ارتباط اولین آیه هر سوره با آخرین آیه سوره پیشین وجه مناسبی ذکر کرده‌اند.^(۱) از این رو، هر سوره فضای معنایی خاصی دارد که بر تفسیر همه و یا دسته‌ای از آیات سوره تأثیرگذار بوده و نیز نوعی پیوند میان آیات سوره‌ها وجود دارد. چنان‌که علامه طباطبایی می‌نویسد:

و سَمی کل قطعة سورة، نوعاً من وحدة التألیف و التمام، لایوجد بین
ابعض من سورة و لا بین سورة و سورة، و من هنا نعلم ان الأغراض و
المقاصد المحصلة من السورة مختلفة ... لا تتم السورة الا بتمامه
(طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن: ۱ / ۱۹)؛ هر دسته کلام الهی که به

نام سوره نامیده می‌شود، دارای نوعی وحدت تألیف و همبستگی است که در پاره‌ای از یک سوره و یا میان یک سوره و سوره دیگر یافت نمی‌شود. از اینجا در می‌یابیم که اهداف و مقاصد سوره با سوره دیگر متفاوت است... که سوره به انجام نمی‌رسد مگر به تمامی آن. یکی از دانشمندان نیز می‌گوید: توجه به ارتباط آیات و موضوعات گوناگون ترکیب شده در هر سوره، کلید نطق قرآن است (بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق: ۱/۳۱۲). با توجه به سخنان برخی از قرآن‌پژوهان، سوره‌های قرآن برخلاف ترتیب نزول جمع‌آوری شده و ترتیب فعلی سوره‌ها را اجتهادی می‌دانند (سیوطی، همان: ۱/۱۲۴). از این رو، استناد سیاق کنونی سوره‌ها به وحی و فرمان رسول خدا ﷺ ناتمام بوده و اقتران و پیوند اولین آیه هر سوره با آخرین آیه سوره پیش از آن دلیل معتبری ندارد. بر این اساس، مرتبط دانستن سوره‌ها به استناد سیاق آنان وجهی ندارد و نمی‌توان مفاد برآمده از آن را مراد خداوند دانست.^(۲)

اهمیت سیاق از منظر مفسران

نقش و اهمیت سیاق در فهم درست و تعیین معنای واژگان و جملات، یکی از اصول پذیرفته شده در باب گفت‌وگوهای عرفی در نزد عقلا بوده و دانشوران علوم قرآنی نیز برای فهم ظواهر متون دینی همواره از آن استفاده کرده و تأثیر چشمگیر آن را در تشخیص مفاد جملات آیات بیان داشته‌اند. در این مقال، برای روشن شدن جایگاه سیاق در تفسیر آیات، دیدگاه برخی از دانشمندان را ذکر می‌کنیم. مرحوم علامه طباطبایی در المیزان، گام بسیار بلندی در ارتقای نقش سیاق در فهم کلمات قرآن برداشته و در موارد متعدد از آن بهره گرفته و آن قدر به سیاق آیات اهمیت داده که در صورت تعارض آن با ظاهر برخی از روایات در ظاهر روایت تصرف کرده تا با سیاق معارضه نکند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن: ۱۷: ۱۴۲۲).^(۹) این امر گویای آن است که در نظر ایشان، قاعده سیاق از ظاهر روایت قوی‌تر

بوده است.

رشید رضا می‌نویسد:

و ان افضل قرينة تقوم على حقيقة معنى اللفظ موافقته لما سبق له من القول
و اتفاقه مع جملة المعنى (رشیدرضا، تفسیر القرآن الکریم بی تا: ۱/ ۲۲)؛
برترین قرینه‌ای که بر حقیقت معنای لفظ وجود دارد، موافقت آن با
بخشهای متقدم بر آن و سازگاری آن با مجموعه معانی است.
زرکشی راه رسیدن به فهم آن بخش از آیات را که دلیل معتبری در تفسیر آن
وارد نشده، تعمق در مفاهیم مفردات آیات و کاربرد آنها را مطابق سیاق جملات
قرآن دانسته و می‌گوید:

راغب در کتاب مفردات در تفسیر معنای لفظ به اقتضای سیاق اعتنا
کرده است. از این رو، باید تکیه‌گاه مفسر، مراعات نظم و ترتیب کلام
باشد، اگر چه با اصل وضع لغوی مخالف باشد، زیرا مجاز ثابت است
(زرکشی، البرهان فی علوم القرآن ۱۳۹۱: ۱/ ۲۷؛ مدرسی، من هدی
القرآن ۱۴۰۶: ۱/ ۶۲).

استاد مصباح یزدی می‌نویسد:

باید خیلی دقت کنیم، وقتی می‌خواهیم آیه‌ای را زیر موضوعی و
عنوانی قرار دهیم، آیات قبل و بعد را هم در نظر بگیریم و اگر احتمال
می‌دهیم که در آیات قبل و بعد قرینه‌ای وجود دارد آنها را ذکر کنیم...
تا موقع مراجعه به آیه، آن قرائن کلامی مورد غفلت واقع نشود
(مصباح یزدی، معارف قرآن ۱۳۸۶: ۲/ ۱۲۵).

بنابراین، قاعده سیاق در فهم ظواهر متون دینی بسیار تأثیرگذار بوده و نادیده
گرفتن آن هماهنگی و تناسب جملات یک متن را خدشه‌دار می‌کند و مفاد واقعی
آیات استنباط نمی‌شود و راز و رمز آن به دست نمی‌آید.

راههای شناخت سیاق

الف. اصالت سیاق

در مواردی که پیوستگی در نزول و ارتباط موضوعی در میان آیات آشکار باشد و یا با توجه به مفاد آیات، نوع بیان، مقام کلام، روایات شأن نزول معلوم باشد، سیاق محقق بوده و باید به آن ترتیب اثر داده شود و در جاهایی که معترضه بودن برخی از جملات و یا استقلال در نزول پاره‌ای از آیات با دلایل معتبر اثبات گردد، نباید به سیاق تمسک نمود. ولی در مواردی که پیوستگی در نزول و یا اتصال موضوعی آیات محتمل باشد و وجود یا عدم آن از راههای یاد شده اثبات نشود، برخی از مفسران «اصالة السیاق» را به عنوان یک راه حل در این زمینه ذکر کرده‌اند و می‌نویسند:

و ینبغی ان لا تتغافل جانب «اصالة السیاق» فی الآیات فانها محفوظة حسب تبیعتها الأولیة، بمعنی ان الأصل هو البناء علی ان الترتیب القائم هو ترتیب النزول الا اذا ثبت خلافه بدلیل و لم یثبت الا نادراً... (معرفت، التمهید فی علوم القرآن ۱۴۲۵: ۱ / ۲۸۰؛ همان: ۵ / ۲۴۰)؛ سزاوار است که در آیات از «اصالة السیاق» غافل نباشیم، زیرا سیاق بر اساس چینش اولی آیات محفوظ است؛ به این معنا که اصلی اولی بنا گذاشتن بر این است که ترتیب فعلی، همان ترتیب نزول است، مگر خلاف آن با دلیل ثابت گردد که آن هم جز در موارد اندکی ثابت نیست.

در موارد اندکی هم که ترتیب آیه‌ها خلاف جایگاه اصلی آن ثابت گردیده، چون به فرمان رسول خدا ﷺ بوده است، ناچار در آن موارد مناسبتی منظور شده و همان در راز وجود سیاق کافی است. بر اساس قاعده کلی در ترتیب آیه‌ها، پیوند جملات و کلمات با یکدیگر و قرینه بودن هر یک برای دیگری به لحاظ ساختار محتوایی است. از این رو، در مواردی که ارتباط جمله‌هایی که در پی هم آمده‌اند مورد تردید قرار بگیرد، اصل را بر ارتباط آنها قرار می‌دهیم و مطابق آن

آیات قرآن را تفسیر می‌کنیم.

ب. توقیفی بودن ترتیب کنونی آیات

در مواردی که ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها در قرآن کنونی، برخلاف سیر نزول قرآن است، آیا در زمان رسول خدا ﷺ و به فرمان ایشان انجام گرفته است؟ یا اینکه تنسیق و نظم کنونی پس از رحلت رسول اکرم ﷺ و طبق اجتهاد و ذوق و سلیقه شخصی و یا اغراض سیاسی صحابه صورت گرفته است؟ در این مسئله میان دانشوران تفسیر و علوم قرآن اختلاف نظر وجود دارد که عده‌ای چنین فعلی آیات قرآن را توقیفی دانسته و جمعی دیگر آن را از روی اجتهاد و اعمال نظر صحابه می‌دانند. بدین‌رو، نظریه موافقان و مخالفان توقیفیت ترتیب آیات و ادله آنان را به صورت اجمال به قرار زیر می‌آوریم:

۱. رویکرد نخست

عده‌ای از قرآن‌پژوهان بر این باورند که نظم کنونی و بافت آیات و سوره‌ها به دستور پیامبر ﷺ و با راهنماییهای فرشته وحی بوده است که به این پیوستگی و نظم حاکم میان جملات و کلمات قرآن ترتیب توقیفی گفته می‌شود.

سیوطی به توقیفی بودن آیات قرآن معتقد بوده و از زید بن ثابت نقل می‌کند که

كنا عند رسول الله ﷺ نؤلف القرآن من الرقاع (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن: ۱/ ۱۶۶)؛ ما در نزد رسول خدا ﷺ و مشغول تألیف قرآن از رقاع و نوشته‌ها بودیم.

از این حدیث استفاده می‌شود که کاتبان وحی علاوه بر اصل تدوین و نگارش قرآن به ترتیب و نظم آن نیز مشغول بوده‌اند.

زرکشی در این باره می‌نویسد: ترتیب آیات در هر سوره و قرار دادن بسم الله در ابتدای سوره‌ها بدون تردید توقیفی بوده و خلاقی هم در این نیست (زرکشی، البرهان

فی علوم القرآن ۱۴۲۹: ۱/ ۲۵۶).

همچنین قرطبی در این باره می‌نویسد:

ان تألیف سور القرآن علی ما هو علیه فی مصحفنا کان عن توقیف من
النبی ﷺ (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن ۱۳۸۷: ۱/ ۶۰)؛ همانا ترتیب
و نظم سوره‌های قرآن بنا بر آنچه که در مصحف وجود دارد توقیفی
بوده و به فرمان رسول خدا ﷺ است.

در میان مفسران اهل سنت کسان دیگری مانند قاضی ابوبکر باقلانی (سیوطی،
الاتقان فی علوم القرآن: ۱/ ۶۱)، آلوسی بغدادی (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن
العظیم و السبع المثانی بی‌تا: ۱/ ۲۶)، بلخی (حجتی، پژوهشی در قرآن کریم ۱۳۶۰: ۲۲۳)
و... هستند که معتقد به توقیفی بودن نظم آیات قرآن بوده و بر این گفته ادعای
اجماع کرده‌اند.

از میان اندیشوران امامیه، سید مرتضی (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ۱۳۸۸:
۱/ ۳۲)، شیخ طوسی (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن ۱۴۱۷: ۲/ ۱۴۲)، طبرسی (طبرسی،
همان^(۳)) و سید ابوالقاسم خویی به موضوع نظم و پیوستگی آیات قرآن اهمیت
داده‌اند. چنان‌که مرحوم خویی می‌گوید:

ان المتصفح لاحوال الصحابة و احوال النبی ﷺ یحصل له العلم البقین بان
القرآن کان مجموعاً علی عهد رسول الله ﷺ؛ با مطالعه و بررسی
زندگانی رسول خدا ﷺ و باران او دانسته می‌شود که قرآن در حیات
پیامبر ﷺ جمع‌آوری و تنظیم گردیده است (خویی، البیان فی تفسیر
القرآن ۱۴۳۰: ۲۵۰).

از این رو، بخشی از آیاتی که پراکنده و بر خلاف ترتیب نزول و در ضمن
سوره‌ها تنظیم گردیده، چون بافت و چینش آنها توقیفی و به فرمان رسول خدا ﷺ
انجام گرفته است، سیاق برگرفته از آن در تعیین معنای واژه‌ها و مفاد جملات محقق
بوده و اثرگذار می‌باشد. بر این اساس، پراکندگی در ترتیب و چینش آیات، حکم

آیات پیوسته در نزول را دارد و سیاق حاصل از آنها مانند سیاق آیات پیوسته در نزول معتبر و قابل ترتیب اثر خواهد بود.

در نتیجه توقیفی بودن تنظیم آیه‌ها به جای پیوستگی در نزول آنها قرار می‌گیرد و نقش آن را در اثبات قاعده سیاق ایفا می‌کند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن: ۱۴۲۵: ۱ / ۲۸۰).

۲. رویکرد دوم

عده‌ای از دانشوران تفسیر و علوم قرآن مانند علامه مجلسی، سید عبدالاعلی سبزواری، محمدجواد مغنیه (ایازی؛ چهره پیوسته قرآن: ۱۳۸۰: ۱۴۶)، امام مالک، بیهقی (به نقل از الاتقان فی علوم القرآن: ۱ / ۱۷۰) و شوکانی، ترتیب و نظم کنونی قرآن را اجتهادی دانسته و توقیف آن را انکار کرده‌اند که نظریه و ادله برخی از آنان را به قرار زیر می‌آوریم:

مرحوم علامه مجلسی در این باره می‌نویسد:

و انما الفوه بأرائهم ... (مجلسی، بحار الانوار ۱۳۹۸: ۹۲ / ۷۱)؛ همانا

صحابه قرآن را طبق سلیقه‌های شخصی خود تنظیم کرده‌اند.

شوکانی می‌گوید: با توجه به اختلاف و تناقض روایات جمع‌آوری و تدوین قرآن، نمی‌توان به توقیف ترتیب سوره‌ها نظر داد. از این رو، سخن از پیوستگی و ارتباط میان سوره‌ها گفتاری بیهوده و غیر قابل اعتناست (شوکانی، فتح القمیر: ۱ / ۷۲).

مرحوم علامه طباطبایی نیز می‌گوید:

ان وقوع بعض الآيات القرآنية التي نزلت متفرقة موقعها الذي هي فيه الآن

لم يخل عن مداخلة من الصحابة بالاجتهاد ... (طباطبایی، المیزان فی

تفسیر القرآن: ۱۴۲۲: ۱۲ / ۱۲۵؛ ۱۸ / ۱۹۴؛ ۱۹ / ۳۶۷)؛ چینش و نظم

آیات به ترتیبی که هم‌اکنون در قرآن است، با وجود اینکه این آیه‌ها

پراکنده نازل شده‌اند، بدون دخالت صحابه نبوده است.

از ظاهر روایاتی که جریان جمع‌آوری قرآن را نقل کرده است بر می‌آید که اصحاب در این امر نظریه و سلیقه خود را به کار گرفته‌اند. چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت جدی مشغول جمع و تدوین قرآن گردید و اگر ترتیب کنونی قرآن به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و به راهنمایی وحی بود، به هیچ وجه آن بزرگوار خلاف آن را جمع‌آوری نمی‌کرد (سیفی مازندرانی، القواعد التفسیریة ۱۴۳۰: ۱۰۸). بر فرض اعتبار و صحت آن نمی‌تواند سیاق معتبر را ثابت کند، زیرا چنین توقیفی در صورتی دلیل بر وجود سیاق می‌شود که تنها علت دستور به چنین توقیفی، ارتباط سیاق آیات باشد که البته دلیل قوی بر این گفته وجود ندارد. بر این اساس، در صورت توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن، شرط پیوستگی در نزول برای اثبات سیاق جمله‌ها و آیه‌ها لازم و ضروری است.

ج. تأیید رجوع به قرآن کنونی

پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره اصحاب و یارانشان را به تدبر و تعمق به آیات قرآن دعوت نموده و راه نجات و رستگاری بشر را چنگ زدن به کتاب الهی دانسته‌اند. بدون تردید مردم هنگام مراجعه برای فهم و تفسیر آیه‌ها به دلیل کنار هم بودن آیات و جملات، آنها را با هم مرتبط دانسته و در فهم جملات، سیاق کلام را در نظر می‌گیرند. از این رو، ارجاع ائمه علیهم السلام برای بهره‌گیری از قرآن مجید بدین معناست که ترتیب کنونی آیه‌های قرآن و سیاق حاصل از آن مورد تأیید آنان است. چنان‌که زرارة بن اعین از امام باقر علیه السلام پرسید: به چه دلیل مسح به بعضی از سر صحیح است؟ امام علیه السلام فرمودند:

ان المسح ببعض الرأس لمكان الباء (حر عملی، وسائل الشیعه ۱۴۲۹: ۸/ ۴۱۳)؛ از حرف «باء» که بر کلمه «رئوس» در آمده می‌فهمیم که مسح باید بر قسمتی از سر باشد.

همچنین روایاتی که ائمه علیهم السلام در آنها می‌فرمایند: این مطلب و نمونه‌های شبیه آن

از کتاب الهی فهمیده می‌شود (کلینی، اصول کافی ۱۴۱۱: ۱/ ۶۹؛ مجلسی، همان: ۱۳/ ۲۳؛ خوئی، البیان فی تفسیر القرآن: ۳۵۴). استاد معرفت هم در این مورد می‌نویسد:

و فی کثیر من الارجاعات الائمة علیهم‌السلام اصحابهم الی القرآن لفهم المسائل و استنباط الاحکام منه، لدلیل ظاهر علی حجیة ظواهر القرآن (معرفت، التفسیر والمفسرون ۱۴۱۸: ۱/ ۸۶)؛ در بسیاری از موارد، ائمه علیهم‌السلام یاران خود را برای فهم مسائل و احکام به قرآن ارجاع می‌داده‌اند که این خود دلیلی روشن و قاطع بر حجیت ظواهر قرآن است.

از این رو، هنگامی که به روش ائمه علیهم‌السلام در تفسیر آیه‌های قرآن نظر می‌افکنیم به خوبی می‌یابیم که آنان در فهم دلالتی آیات به ترتیب و سیاق آیات تکیه می‌نمایند و به ظاهر قرآن تمسک می‌کنند؛ و این خود بیانگر حجیت ظواهر آیات قرآن است که با پذیرش آن حجیت و اعتبار قرینه سیاق که مبتنی بر ظواهر الفاظ است نیز ثابت خواهد شد (حکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن ۱۴۲۸: ۱۱۱).

شرایط تحقق سیاق

برای تحقق و اعتبار قاعده سیاق شرایط و بایستگی‌هایی لازم است که به قرار زیر ذکر می‌کنیم:

الف. ارتباط صدور در نزول

ارتباط صدور عبارت است از مجموعه سخنانی که هنگام صدورشان در کنار یکدیگر و متصل به هم از گوینده القا شده باشد. چون ملاک اعتبار سیاق، عدم صدور جملات با معانی نامتناسب از گوینده داناست، از این رو، در تفسیر و تبیین کلمات قرآن اگر محرز شود که آیات سوره‌ها به همین ترتیب فعلی که در مصحف است، یکجا و با هم نازل شده است، ارتباط صدور در بین تمامی آیات ثابت می‌شود و نیازی به بررسی مورد به مورد در هر آیه نداریم. ولی اگر ترتیب یاد شده به اثبات

نرسد و احتمال آن برود که در مواردی برخی از آیه‌ها برخلاف ترتیب نزول در قرآن کنونی قرار گرفته است، در این صورت باید بررسی شود که آیا این آیه با آیه‌های پیشین و پسین ارتباط دارد یا ندارد. در صورت نبود پیوستگی در نزول در مورد برخی از آیات، قاعده سیاق در چنین موردی ثابت نمی‌شود و نمی‌توان به عنوان یک قرینه متصل از آن برای کشف معنای آیه و پیوند آن با آیات دیگر بهره گرفت.

مثال: در مورد جمله: «... انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیراً» که در آیه ۳۳ سوره احزاب واقع شده است، ارتباط صدوری میان قبل و بعد این جمله دیده نمی‌شود، زیرا خصوصیات الفاظ و ضمائر به کار رفته در آن با جملات دیگر متفاوت است. چون قبل و بعد آن مربوط به زنان پیامبر ﷺ بوده و این بخش بر اساس روایات رسیده (مجلسی، همان: ۳۵/۲۰۸؛ طبرسی، همان: ۱/۱۵۷؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر المأثور ۱۴۲۱: ۵/۳۷۵) در مورد رسول خدا ﷺ و پاکان از خاندان وی است.

بنابراین، تمسک به قاعده سیاق در مواردی است که ارتباط صدوری میان آیات و جملات احراز گردد و در غیر این صورت نمی‌توان برای فهم و اتصال آیات با یکدیگر و کشف مفاهیم آنها بر این قاعده تکیه نمود.

ب. ارتباط موضوعی

شرط دیگر برای تحقق سیاق، پیوند محتوایی جمله‌ها با هم است. به این معنا که جملات با هم ارتباط مفهومی داشته و درباره یک موضوع و برای افاده یک مطلب صادر شده باشند. از این رو، اگر چند جمله معترضه بین جمله‌های دیگر قرار گرفته باشد، نمی‌توان به لحاظ سیاق کلام در معنای ظاهری آنها تصرف کرده و معنای متناسب با جمله‌های قبل و بعد را بر آن حمل نمود، زیرا عدم ارتباط این نوع جملات معترضه موجب ناهمگونی ساختار کلی کلام گوینده نمی‌شود. از باب مثال،

آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت که در بین آیات مربوط به ساختار قرار گرفته و دستور ویژه خداوند را برای رسول خدا ﷺ بیان می‌کند و در نتیجه نمی‌توان به لحاظ سیاق در ظاهر این چهار آیه تصرف کرد و آنها را به معنای قرائت نامه اعمال در عالم رستاخیز معنا کرد.

ج. عدم تعارض سیاق با قرینه‌ای قوی‌تر

قاعدۀ سیاق خود یک قرینه‌ای ظنی بوده و بر اساس ظهور کلام استوار است. از این‌رو، اگر قرینه قوی‌تر نقلی (آیات و روایات صحیحه) و عقلی (برهان عقلی) وجود داشته باشد، بدون تردید قرینه قوی‌تر مقدم بوده و ظهوری برای جمله مورد نظر باقی نمی‌گذارد.

تعارض سیاق با قرائن دیگر

بر این اساس، تعارض میان سیاق با قرائن دیگر به چند صورت متصور است که به قرار زیر می‌آوریم:

۱. تعارض سیاق با معنای لغوی

در این صورت، سیاق مقدم است، زیرا معنای لغوی نمی‌تواند وضع اصلی لغت را اثبات و یا ظهور استعمالی، دیگری را نفی نماید. برخی از قرآن‌پژوهان بر این باورند که مفسر باید هنگام تفسیر لفظی، سیاق را رعایت کند و جز آنچه متناسب با سیاق است اختیار نکند (ابن سلمیان، ضوابط تفسیر با لغت: ۴۳).

۲. تعارض سیاق با آیات محکم

در این صورت، آیات متشابه به آیات محکم ارجاع داده و بر اساس آن تفسیر می‌شود و در نتیجه دلیل قطعی مقدم می‌شود و سیاق که دلیل ظنی است کنار می‌رود.

۳. تعارض سیاق با دلیل عقلی

در این مورد نیز برهان عقلی بر سیاق ظنی مقدم است. از باب مثال، آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...» (فتح: ۱۰) که واژه «ید» در جمله «فوق ایدیهم» مطابق سیاق ظهور به معنای دست جسمانی دارد. ولی با توجه به برهان عقلی که خداوند جسم نیست واژه «ید» به معنای دست معمولی نبوده، بلکه کنایه از قدرت مطلقه الهی است و یا آیه «... لیس کمثله شیء...» (شوری: ۱۱).

۴. تعارض سیاق با روایات قطعی

اگر قاعده سیاق با روایات متواتر و محفوف به قرائن که از پیشوایان معصوم علیهم السلام صادر شده است، تعارض کرد در این صورت نیز روایات مقدم بوده و به سیاق ظنی اعتنا و اعتبار نمی‌شود (نک به: تفاسیر فریقین ذیل آیه ۳۳ سورة احزاب و ۳ سورة مائده).

۵. تعارض سیاق با روایات ظنی

درباره حجیت اخبار آحاد در تفسیر رویکردهای متفاوت مطرح است (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۱۳۸۷: ۴۲). کسانی که خبر واحد را در تفسیر حجت نمی‌دانند، معتقدند در هر صورت سیاق بر آن مقدم است و آنانی که خبر واحد را در تفسیر حجت و معتبر می‌دانند، در این صورت میان دو دلیل ظنی تعارض پیش می‌آید و لازم است که بر اساس ظن قوی‌تر آیه تفسیر شود و یا در صورت تساوی به قرائن دیگر مراجعه کرده و یکی از دو دلیل ظنی را بر دیگری ترجیح داده، بر اساس آن آیات را تفسیر نماییم.

دلایل حجیت سیاق

با توجه به سخنان گذشته روشن گردید که قاعده کلی در ارتباط صدور و پیوند

موضوعی همه آیات، ترتیب موجود بوده و نیازی به بررسی مورد به مورد آیه‌ها نیست. از این رو، اگر در مواردی در وجود پیوستگی آیات شک کردیم، اصل را بر پیوستگی آیه‌ها قرار می‌دهیم و می‌توانیم به قاعده سیاق استدلال نماییم. در این قسمت این مطلب را بررسی می‌کنیم که آیا دلیلی وجود دارد که اصل در آیات قرآن را به هم پیوستگی و ارتباط سیاقی بداند یا این اصل اثبات نشده است. چنان‌که قبلاً اشاره شد، استاد معرفت بر این باور است که: «اصل اولی بنا گذاشتن بر این است که ترتیب فعلی همان ترتیب نزول است، مگر خلاف آن با دلیل ثابت گردد».

آنچه از سخن ایشان استفاده می‌شود این است که در مواردی که ارتباط صدوری و محتوایی آیات محتمل باشد، باید به قاعده سیاق ترتیب اثر داده شود، زیرا اصل آن است که چینش و تنظیم کنونی آیات بر اساس ترتیب نزول قرآن است. در این صورت، این سؤال پدید می‌آید که این اصل به چه معناست و دلیل بر حجیت آن چیست در پاسخ به این پرسش باید گفت که برای این اصل سه معنا متصور است که به قرار زیر می‌آوریم:

الف. این اصل یا اصل عقلی است که مبنای آن بداهت یا دلیل عقلی است. مانند اصل علیت که مبنای آن بداهت عقلی است و اصل برائت عقلی که مبنای آن دلیل قطعی «قبح عقاب بلابیان» است.

ب. این اصل یا اصل شرعی است که مبنای آن دلیل معتبر شرعی است، مانند اصل برائت شرعی که مبنای آن حدیث رفع «رفع ما لایعلمون» و مانند آن است.

ج. این اصل یک اصل عقلایی بوده که مبنای آن سیره عقلا به ضمیمه عدم ردع شارع است، مانند اصل حجیت ظواهر کلام و اصل حجیت خبر ثقه. با بررسی جوانب مسئله روشن گردید که اصل مورد بحث «اصل تحقق سیاق، یا اصل به ترتیب نزول بودن آیات» اصل عقلی و شرعی نیست، زیرا نه بر بداهت و یا دلیل عقلی مبتنی است و نه بر دلیل معتبر شرعی مستند است. آنچه ممکن است گفته

شود این است که اصل یاد شده اصل عقلایی بوده و مبتنی بر سیره عقلاست، زیرا کتابی که غالب مفاهیم و کلمات آن دارای چینش خاصی بوده و به شکل پیوسته تدوین یافته و بخشی از آن به صورت پراکنده از مؤلف آن صادر گردیده و در موارد مختلفی از آن کتاب گنجانده شده است، عقلا در موارد مشکوک و پراکنده از باب «الظن يلحق الشيء بالاعم و الاغلب» بنا را بر رعایت ترتیب نزول قرار داده، به سیاق جمله‌ها ترتیب اثر می‌دهند. چنان‌که محقق قمی در بحث تعارض احوال، الحاق شیء به اعم اغلب را یک روش عقلایی دانسته و می‌نویسد:

... فلا مناص عن العمل بالظن في دلالة الالفاظ خصوصاً على قول من

يجعل الاصل جواز العمل بالظن الا ما خرج بالدليل... (قمی، قوانین

الاصول: ۱ / ۳۱)؛ اگر کلماتی از گوینده‌ای صادر شود و با توجه به

سیاق آن بر معنایی دلالت کند، پس لازم است آن معنا را ترجیح داد و

به گوینده آن نسبت داد، به ویژه بنا بر دیدگاه آنانی که اصل اولی عمل

به ظن را مجاز دانسته‌اند مگر اینکه خلاف آن با دلیل ثابت گردد.

بنابراین، دلیل اعتبار سیاق از طرفی به حجیت ظواهر قرآن باز می‌گردد (هروری،

کفایة الاصول ۱۴۲۰: ۱ / ۲۳۰؛ طوسی، مقدمه تفسیر التبیان ۱۳۷۶: ۱ / ۵) و حجیت ظاهر

الفاظ بر اساس بنای عقلا استوار است؛ چون عقلا وقتی سخنی می‌گویند، به ظاهر

آن اخذ نموده، هر نوع آثاری را بر آن مترتب می‌کنند. از سوی دیگر، اعتبار سیاق به

هماهنگی درونی گفتار و نوشتار افراد عاقل باز می‌گردد؛ چون فرد حکیم وقتی

جملاتی را به کار می‌برد مفهوم ناسازگار اراده نمی‌کند. افزون بر آن، سیاق یک قرینه

پیوسته و مستفاد از الفاظ بوده و برای فهم معنای یک متن بسیار مفید و مؤثر است.

کاربرد قاعده سیاق

کاربرد اصطلاح و مفهوم سیاق در حوزه‌های علوم و معارف اسلامی، مانند حدیث،

فقه، اصول و به ویژه در تفسیر آیات قرآن از اهمیت زیادی برخوردار است. استناد

مفسران به سیاق کلام با هدف بیان مراد متکلم و به عنوان مبنای اصلی ساخت و چینش جملات نقش عمده و اساسی دارد. از این رو، تأثیر سیاق در استیفای معانی و بیان غرض نص اهمیت می‌یابد و حمل معانی برخلاف اقتضای سیاق ممتنع و عدم توجه به سیاق در استنباط مفاهیم آیات ناپذیرفتنی تلقی می‌گردد.

با بررسی جوانب مسئله روشن می‌گردد که سیاق در تفسیر نصوص دینی در سه حوزه تأثیرگذار بوده و نقش‌آفرینی دارد:

الف. در استیفای معانی و کشف مفاهیم مقصود قابلیت‌های عمده دارد.

ب. دایره مفاهیم را درباره نصوص محدود می‌کند.

ج. مفهوم مورد نظر را تأیید و تأکید می‌نماید.

زرکشی درباره نقش و کاربرد سیاق در تفسیر می‌نویسد:

الرابع: دلالة السياق، فانها ترشد الى تبیین المجمل و القطع بعدم احتمال غير المراد و تخصيص العام و تقييد مطلب و تنوع الدلالة و هو من اعظم القرائن الدالة على مراد المتكلم. فمن اهملة غلط في نظيره و غالط في مناظراته و انظر الى قوله تعالى: «ذق انك انت العزيز الكريم» كيف تجد سياقه تدل على انه الدليل الحقيق (زرکشی، همان)؛ دلالت سیاق، شنونده را در تبیین مجمل، یقین به مراد گوینده، تخصیص عام، تقييد مطلق و انواع دلالتها، راهنمایی می‌کند. سیاق از جمله مهم‌ترین قرائن بر مقصود متکلم است. کسی که سیاق را نادیده بگیرد، در فهم نظر گوینده و هنگام تبادل اندیشه با وی دچار اشتباه می‌گردد. به ایه شریفه یاد شده توجه کنید که چگونه سیاق «برخلاف ظاهر الفاظ» بر ذلت و حقارت مخاطب آیه دلالت می‌کند.

بر این اساس، سیاق مهم‌ترین ابزار و ملاک قرآن‌پژوه برای فهم معانی نصوص و به ویژه آیات قرآن است. از این رو، استفاده از سیاق و به کارگیری آن در تفسیر آیات، می‌تواند به شکلهای گوناگونی صورت گیرد که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. بهره‌گیری از حذف و تقدیر

در این مورد می‌توان از تقدیم و تأخیر واژه‌ها و یا قرینه قرار دادن یک واژه که واژه‌ای دیگر را تداعی می‌کند و مانند آنها از سیاق استفاده کرد. به عنوان مثال:

در آیه «والحافظین فروجهم و الحافظات» (احزاب: ۳۵) به قرینه قید «فروجهم» در «الحافظین» می‌گوییم که از نظر مفهوم این قید پس از «والحافظات» نیز وجود دارد. همچنین در آیه «أفمن زین له سوء عمله فرآه حسناً» (فاطر: ۱). پاسخ جمله استفهامی «أفمن زین» حذف شده است. کسی که کردار زشتش در نظرش آراسته شده و آن را نیکو می‌بیند، چه سرنوشتی دارد یا چه کار باید بکند؟ در اینجا تعیین جواب بر عهده مخاطب گذاشته شده که با تفکر در آیه و دقت به سیاق آن و مطابق میزان تدبر خود، پاسخی برای آن بیابد.

قرآن‌پژوهان آسان‌ترین پاسخی که پیشنهاد کرده‌اند جمله «کمن لیس کذلک» است؛ یعنی آیا کسی که کردار بدش در نظرش آراسته شده و آن را نیکو می‌بیند، مانند کسی است که این حالت را ندارد؟ ولی با تعمق بیشتر و با استفاده از سیاق جمله استفهامی در آیه و با توجه به ویژگیهای چنین شخصی می‌توان به معنای بلندی دست یافت مانند: آیا کسی که چنین است، می‌تواند هدایت یابد؟ آیا کسی که این‌گونه است می‌تواند به حقایق والا برسد؟ و ...

این‌گونه موارد از جمله جاهایی است که الفاظ در برابر معانی محدود بوده و قرآن با حذف بخشی از کلام قرینه‌ای را فراهم می‌کند که با بهره‌گیری از سیاق جمله موجود می‌توان معانی بسیاری را استنباط نمود.

۲. بهره‌گیری از سیاق با توجه به آیه قبل یا بعد

در برخی از موارد و با توجه به آیه پیشین و یا پسین و قرار گرفتن آیه مورد نظر در آن محل، به مفهوم ویژه‌ای دست می‌یابیم که اگر این جمله به تنهایی لحاظ شود به

مفهوم واقعی آیه نمی‌رسیم. به حدیثی در این زمینه توجه نمایم:

ومر یوما بشاب من فتیان الانصار وهو ظمان ، فاستسقاء ، فجدح له ماء بعسل فلم یشربه، وقال: إن الله تعالی یقول: (أذهبتم طیباتکم فی حیاتکم الدنیا) فقال له الفتی: یا أمیر المؤمنین، إنها لیست لک ولا لاحد من هذه القبيلة، اقرأ ما قبلها: (و یوم یرض الذین کفروا علی النار أذهبتم طیباتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها) (احقاف: ۲۰)؛ فقال عمر: کل الناس أفتقه من عمر (مدائنی، شرح نهج البلاغة بی‌تا: ۳ / ۹۵؛ امینی، الغدیر ۱۴۱۶: ۸ / ۹۴)؛ روزی عمر در حال تشنگی، گذرش به یکی از جوانان انصار افتاد از او درخواست آب کرد. جوان پس از مخلوط کردن آب و عسل، آن را به عمر تقدیم نمود. عمر آن را نوشید و گفت: خداوند متعال می‌فرماید: نعمتهای پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان (خودخواهانه) صرف کردید. جوان به او گفت: این آیه مخاطبش تو و هیچ یک از اهل قبله نیست. آیا عبارت قبلش را ندیدی: روزی که کافران را بر آتش دوزخ عرضه می‌دارند فرشتگان عذاب به آنها می‌گویند: شما نعمتهای پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان خودخواهانه صرف کرده و از آنها برخوردار شدید. سپس عمر گفت: همه مردم از عمر داناترند.

۳. استفاده از سیاق برای ارزیابی اقوال تفسیری

برخی از مفسران، آیه‌ای را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که مفسر دیگر با بهره‌گیری از سیاق آیه که در سوره مکی و یا مدنی قرار گرفته، آن را رد کرده و از آیه تفسیری دیگری ارائه داده است.

مثال: ابن ابی حاتم روایتی نقل کرده است که گویا آیه «و نزعنا ما فی صدورهم من غل» (اعراف: ۴۳) درباره اهل بدر نازل شده است. ولی علامه طباطبایی این سخن

را رد کرده و می‌گوید: وقوع این جمله در سیاق این دسته از آیات که در مکه نازل شده است، نزول آن را درباره اهل بدر نفی می‌کند.

۴. بهره‌گیری از سیاق برای فهم حکم شرعی

گاهی با استفاده از سیاق حکم شرعی را استنباط می‌کنیم، به گونه‌ای که اگر به سیاق آیات توجه نشود حکم الهی تغییر کرده و باعث دگرگونی در مفهوم آیه خواهد شد. به عنوان مثال، خداوند می‌فرماید:

... و حرم علیکم صید البر ما دمتم حراماً ... (مائده: ۹۶)؛ تا زمانی که در

حال احرام هستید، صید صحرا برای شما حرام است.

در این زمینه میان دانشوران فقه اختلاف وجود دارد که چه نوع صیدی بر انسان محرم حرام است. صاحب جواهر و گروهی از فقیهان، حکم حرمت صید برای انسان محرم را مخصوص حیوان حلال‌گوشت دانسته‌اند و می‌گویند:

قد یشهد له ان المتبادر و ظهور سیاق الآیة فی حرمة أكله... (نجفی، جواهر

الکلام فی شرح شرایع الاسلام بی تا: ۲۰ / ۱۶۷؛ جناتی، کتاب الحج

۱۳۸۳: ۱۶ / ۳)؛ آنچه که از آیه شریفه تداعی می‌شود و ظاهر سیاق نیز

آن را تأیید می‌کند، مراد حیوانی است که خوردنش حرام است.

از این رو، شکار کردن در حال احرام در صورتی حرام است که آن صید حلال‌گوشت باشد نه حرام‌گوشت. بر این اساس، قاعده سیاق در تفسیر آیات نقش مؤثر در استنباط دستورهای شرعی دارد و ما موارد زیادی در فقه داریم (همان: بحث مصرف زکات، بحث مسح کتاب) که فقها با بهره‌گیری از سیاق، احکام شرعی را استنباط کرده‌اند.

۵. ارزیابی روایات تفسیری

بدون تردید همه روایات رسیده در تفسیر آیات قرآن معتبر و قابل پذیرش نیست. از

این‌رو، یکی از دلایل و میزان سنجش و پذیرش و درستی یا نادرستی روایات تفسیری بهره‌گیری از قاعده سیاق است. به عنوان مثال، خداوند می‌فرماید: «... یزید فی الخلق ما یشاء» (فاطر: ۱).

دانشوران علم تفسیر جمله یاد شده را دو گونه تفسیر کرده‌اند: الف. خداوند در آفرینش موجودات آنچه بخواهد می‌افزاید. ب. خداوند در آفرینش بالهای فرشتگان آنچه بخواهد می‌افزاید. مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه با استفاده از قاعده سیاق، معنای اول را ترجیح داده و تقویت کرده و روایت رسیده در این زمینه را رد کرده است (طباطبایی، المیزان: ۱۱/۱۷). این امر گویای آن است که یکی از دلایل صحت و سقم روایات تفسیر را می‌توان قاعده سیاق دانست.

نتیجه‌گیری

با توجه به بحث‌های گذشته نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. استفاده از قاعده سیاق در تعیین مفاهیم جملات در میان مردم از دیر زمان رایج بوده و در حوزه اندیشه اسلامی به عصر صحابه برمی‌گردد. در این مختصر سیر تاریخی سیاق را در حوزه علوم قرآنی بررسی کردیم و مواردی از به کارگیری آن را از نظر وسعت استعمال (کمی) در تفاسیر فریقین بیان نمودیم.
۲. واژه سیاق در لغت به معنای به دنبال هم آمدن واژه‌ها و روش جمله‌بندی آن بوده و در اصطلاح به مفهوم، خصوصیت و فضای معنایی است که با قرار گرفتن جملات در کنار هم حاصل شده و بر واژه‌ها تأثیر می‌گذارد.
۳. دانشوران تفسیر و علوم قرآن، نقش سیاق را در تشخیص مفاد جملات آیات بسیار مهم شمرده و راه رسیدن به فهم آیاتی را که دلیلی در تفسیر آن وارد نشده است بهره‌گیری از قاعده سیاق دانسته‌اند.

۴. مواردی که پیوستگی در نزول آیات محرز باشد، سیاق محقق بوده و به آن ترتیب اثر داده می‌شود، ولی در جاهایی که اتصال آیات مورد تردید باشد، برخی اصل را بر ارتباط آنها دانسته و عده دیگر راههای دیگر را برای شناخت سیاق پیموده‌اند که هر دو رویکرد نیاز به بازشناسی دقیق دارد.

۵. سیاق خود به گونه‌های مختلف چون سیاق واژه‌ها، جمله‌ها، آیه‌ها، سوره‌ها و ... تقسیم می‌شود. ولی سیاق سوره‌های قرآن اجتهادی بوده و از این رو نمی‌توان آن را به وحی نسبت داد.

۶. حجیت و اعتبار قاعده سیاق شرایطی چون ارتباط صدوری و پیوند محتوایی کلام و عدم تعارض با قرینه قوی‌تر را می‌طلبد. از این رو، در صورت تعارض سیاق با قرینه قوی‌تر، بدون تردید قرینه قوی مقدم است و سیاق کنار می‌رود.

۷. دلایل اعتبار سیاق از طرفی به حجیت ظواهر قرآن و سیره عقلا استوار بوده و از سوی دیگر به هماهنگی درونی گفتار و نوشتار افراد عاقل باز می‌گردد؛ چون عقلا هرگاه سخنی می‌گویند، به ظاهر آن اخذ نموده، آثاری را بر آن مترتب می‌کنند.

۸. قاعده سیاق در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی، مانند حدیث، فقه، اصول و تفسیر قرآن نقش عمده و اساسی دارد که در این مختصر چند نمونه از کاربردهای سیاق را در تفسیر آیات ذکر نمودیم.

پی‌نوشتها

-
- (۱). فضل بن حسن طبرسی در مجمع البیان. ایشان در بیشتر سوره‌ها برای ارتباط آنها وجهی ذکر کرده است و همین کار را فخررازی نیز در تفسیر کبیر انجام داده است.
- (۲). البته عده‌ای از عالمان اهل سنت، معتقد به توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها هستند. نک: سیوطی، همان.
- (۳). موارد بیان این مناسبتها و نظم آیات چنان فراوان است که نیاز به آوردن نمونه نیست و با اندک مراجعه می‌توان این روش را به دست آورد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادريس شافعی، محمد، الرسالة، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره، المطبعة العلمية، ۱۳۵۸ق.
۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۵. ابی حامد، عزالدین عبدالحمید بن هبة الله المدائنی، شرح نهج البلاغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶. سعدي، محمد و همکاران، آسیب شناسی جریانهای تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۷. آلوسی بغدادی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۸. امینی، عبدالحسین، الغدير، قم، نشر مرکز الغدير، ۱۴۱۶ق.
۹. بابایی، علی اکبر و همراهان، روش شناسی تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۰. جناتی، محمد ابراهیم، کتاب الحج، نجف اشرف، مطبعة القضاء، چاپ دوم، ۱۳۸۳ق.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ سوم، ۱۴۲۹ق.
۱۲. حکیم، سید محمد تقی، الاصول العامة للفقہ المقارن، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۸ق.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار خویی، چاپ چهارم، ۱۴۳۰ق.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۱۶. ربانی گلیایگانی، علی، هرمنوتیک و منطق فهم دین، قم، مرکز حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۷. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دارالمعرفة، چاپ دوم، بی تا.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، نشر جامعه المصطفی ص العالمیه، ۱۳۸۷.
۱۹. رضی، سید محمد، حقایق التأویل فی متشابه التنزیل، بیروت، دارالمهاجر، بی تا.
۲۰. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المكتبة الحیاء، بی تا.
۲۱. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق.
۲۲. سلوی، محمد العوا، الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم، بیروت، دارالشروق، ۱۴۱۹ق.
۲۳. سیفی مازندرانی، علی اکبر، القواعد التفسیریة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۰ق.
۲۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، قم، ذوی القربی، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق.
۲۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۲۶. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
۲۸. صدر، سید محمدباقر، الحلقة الاولى، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ق.

۳۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل القرآن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، مقدمه تفسیر التبیان، نجف، مطبعة العلمية، ۱۳۷۶ق.
۳۴. عبدالله جوادی آملی، قرآن حکیم از منظر امام رضا علیه السلام، قم، اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۳۵. فضل الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
۳۶. قمی، میرزا ابوالقاسم، قوانین الاصول، قم، مؤسسه الاحیاء الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۳۱ق.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، مصر، دارالکتب العربیه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۱ق.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۴۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم، دار الحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.
۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، قم، نشر مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۴۲. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، قم، دارالهدی، ۱۴۰۶ق.
۴۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۴. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۲۵ق.
۴۵. معرفت، محمدهادی، التفسیر والمفسرون، مشهد، نظر جامعه الرضویه، ۱۴۱۸ق.
۴۶. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، نشر فرهنگ نما، ۱۳۸۷.

نقش سياق در تفسير آيات قرآن □ ۲۹۵

۴۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۴۸. نجفی، محمدصادق، شناخت قرآن، بی جا، ۱۳۶۱.

۴۹. هروی، محمدکاظم، کفایة الاصول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.